

## بررسی عدم ذکر «بسم الله الرحمن الرحيم» در ابتدای سوره براءت با تأکید بر محتوای سوره

فریده امینی\*<sup>۱</sup>، بی‌بی سادات رضی بهابادی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه الزهراء(س)

۲. استاد دانشگاه الزهراء(س)

(تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۳۰)

### چکیده

سوره مبارکه براءت تنها سوره در قرآن کریم است که با آیه کریمه «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز نشده است. در درباره عدم ذکر آیه بسمله در ابتدای سوره براءت دلایل مختلفی مطرح می‌شود، پژوهش حاضر ضمن بررسی هر یک از دیدگاه‌های مطرح، با نظر به قراین خارجی در فضای سوره براءت اعم از فضای نزول و جو نزول، در پی آن است که مسئله عدم ذکر بسمله در ابتدای سوره براءت را بررسی شود. رفتار گوناگون اصحاب پیامبر در جنگ تبوک (به‌عنوان واقعه مهمی در سال نهم هجرت) بیانگر گروه‌های مختلف مؤمنان و منافقان است. سال نهم یک نقطه عطف تاریخی در تاریخ شبه‌جزیره عربستان بود و گرایش اکثریت به اسلام نوعاً به دلایل سیاسی، امنیتی و اقتصادی محسوب می‌شود و رویکردشان به اسلام تابع منافعشان بود و چهره‌ای که بیشتر خود را نشان می‌داد، کفر در پرتو ایمان یا به‌عبارت دیگر «نفاق» بود؛ رفتاری که محتوای سوره نیز شاهدهی بر آن است. ذکر آیه بسمله از جانب خداوند سبحان در ابتدای هر سوره، دعوت از مردم برای بهره‌گیری از رحمت عامه و خاصه خداوند است منافقان در اثر مانعی که از کفر در برابر رحمت الهی ایجاد کرده‌اند، خویشتن را از رحمت الهی محروم کرده‌اند و به‌عبارتی عملکرد منافقان و به‌نوعی خواسته باطنی ایشان، قطع پیوند با خداوند و امت اسلامی است، خداوند هم پیرو رفتار منافقان، ایشان را از رحمت الهی خویش محروم کرده است.

### واژگان کلیدی

بسمله، سوره براءت، قرآن کریم، کفر، نفاق.

## بیان مسئله

آیه کریمه «بسم الله الرحمن الرحيم» نخستین و پرتکرارترین آیه قرآن است که در صدر تمام سوره‌های قرآن کریم به‌جز سوره براءت دیده می‌شود. در اینکه آیه کریمه «بسم الله الرحمن الرحيم» جزو هر سوره حساب می‌شود یا خیر، میان شیعیان و اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد، شیعیان در مورد این موضوع اتفاق نظر دارند (بحرانی درازی، ۱۳۶۳، ج ۸: ۱۰۵ - ۱۰۸) این درحالی است که آرای اهل سنت در این زمینه تفاوت دارد.

مفسران در مورد عدم ذکر بسمله در سوره براءت، سه دیدگاه را بیان کرده‌اند:

۱. سوره براءت، ادامه سوره انفال است و هر دو یک سوره به حساب می‌آیند.
۲. «بسم الله الرحمن الرحيم» برای امان و رحمت است، در حالی که سوره براءت به منظور رفع امان است.

۳. پرسش ابن عباس از عثمان در این موضوع و پاسخ وی مبنی بر اینکه پیامبر ﷺ رحلت فرمود و برای ما مشخص نکرد که سوره براءت جزو انفال است یا خیر، به همین دلیل آن دو را در کنار هم قرار دادم و میان آنها «بسمله» قرار ندادم (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲۴۲؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵: ۵۲۱ - ۵۲۲؛ طباطبایی، ۱۴۲۷، ج ۹: ۱۴۶).

آرای مطرح پیرامون عدم ذکر بسمله در ابتدای سوره براءت، معمولاً در تفاسیر، ذیل تفسیر سوره براءت بررسی شده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲۴۲؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵: ۵۲۱؛ علامه طباطبایی، ۱۴۲۷، ج ۹: ۱۶۶، جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۳۳: ۲۰۰ - ۲۱۰). ضمن اینکه برخی کتب در حیطه علوم و تاریخ قرآن نیز به این موضوع پرداخته‌اند (رامیار، ۱۳۶۹: ۴۳۰؛ خوبی، ۱۳۸۳: ۵۷۳) که بیشتر از سمت و سوی روایی برخوردار است، به نظر می‌رسد آنچه برای رسیدن به رأی صواب راهنما خواهد شد، بررسی فضای تاریخی است که آیات سوره براءت بیانگر آن هستند. در پژوهش حاضر بر آنیم تا با ارزیابی شواهد تاریخی زمان نزول، به‌عنوان قراین برون‌متنی و سیاق و غرر آیات به‌عنوان قراین درون‌متنی، سوره براءت را مطالعه و به بررسی عدم ذکر آیه بسمله در ابتدای آن پردازیم.

### مروری پیرامون آیه کریمه «بسم الله الرحمن الرحيم»

آیه کریمه «بسم الله الرحمن الرحيم» که به آن آیه تسمیه یا بسمله نیز گفته می‌شود، سرفصل ۱۱۳ سوره قرآن کریم قرار دارد و در سوره «نمل» افزون بر آغاز سوره، در آغاز نامه حضرت سلیمان علیه السلام به ملکه سبا نیز آمده است (نمل: ۳۰) یعنی ۱۱۴ بار نازل شده است، نه اینکه یک بار نازل شده باشد و به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سرفصل سور قرآنی قرار گرفته باشد (رامیار، ۱۳۶۹: ۵۵۳).

نزول مکرر آیه بسمله نشانه اختلاف معنا و تفسیر آن در هر سوره است. آیات بسمله در سراسر قرآن کریم گرچه از نظر لفظی یکسان است، از نظر معنوی و تفسیری گوناگون است و در نتیجه اختلاف معنوی و اشتراک لفظی آیات «بسم الله الرحمن الرحيم» از آنروست که بسم الله هر سوره جزئی از آن سوره و با محتوای آن هماهنگ است و چون مضامین و معارف سوره‌های قرآن با یکدیگر تفاوت دارند، معنای بسم الله نیز در سوره‌ها مختلف خواهد بود و در هر سوره درجه‌ای از درجات الوهیت خدای سبحان و رحمانیت و رحیمیت او را بازگو می‌کند. بر این اساس، اگر محتوای سوره‌ای به‌خوبی تبیین شود، تفسیر آیه بسمله آن سوره نیز روشن خواهد شد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۹۱).

همان‌گونه که ذکر شد، در باب اینکه آیه کریمه «بسمله» جزو هر سوره حساب می‌شود یا خیر، میان شیعیان و اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد که در قالب سه دیدگاه طرح‌شدنی است:

۱. از دیدگاه قاریان مکه و کوفه (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱) و برخی شافعیه (نوویی، بی‌تا، ج ۳: ۳۳۴) بسمله جزء آغازین همه سوره‌هاست، اعم از حمد و دیگر سور (همانند شیعیان).
۲. برخی دیگر از شافعیه (طریحی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۲۰۲)، احمدبن حنبل (نووی، بی‌تا، ج ۳: ۳۳۴) بسمله را تنها جزئی از سوره حمد می‌دانند.
۳. از دیدگاه قاریان مدینه، بصره و شام و فقهای حنفی و مالکی؛ بسمله جزئی از قرآن نیست و تنها به‌منظور تبرک و جداسازی سوره‌ها از یکدیگر، در آغاز سوره‌ها آمده،

این دیدگاه مشهور حنفیه است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۱۷۹؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۱۹۴) و مالکیه (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱، ۹۴).

در نقد دو دیدگاهی که متفاوت با دیدگاه شیعه طرح شده، می‌توان گفت آیه بسمله ۱۱۴ بار نازل شده و به دستور پیامبر اسلام سرفصل سور قرآنی قرار گرفته است. در عصر نزول وحی، فرود آمدن آیه «بسمله» به عنوان اولین آیه سوره جدید، نشانه پایان پذیرفتن سوره پیشین و آغاز نزول سوره پس از آن بود، همچنین در رد کلام افرادی که فائلند آیه کریمه بسمله فقط یک نوبت نازل شده است و چنانکه قائل به این مطلب باشیم که این آیه ۱۱۴ مرتبه نازل شده است، تکرار محسوب می‌شود، می‌توان گفت بسیاری از آیات، بارها در قرآن آمده است؛ مانند آیه «فبای آلاء ربکما تکذبان» که ۳۱ مرتبه در سوره الرحمن تکرار شده یا آیه «و لقد یسرنا القرآن لذكر فهل من مدکر» که ۴ مرتبه در سوره قمر تکرار شده است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۱: ۳۶ - ۳۷).

### بررسی دیدگاه‌های مطرح در عدم ذکر آیه کریمه بسمله در ابتدای سوره برائت

در مورد عدم ذکر «بسمله» در ابتدای سوره برائت اقوال مختلفی مطرح است که در ادامه ضمن ذکر اقوال مختلف به نقد دیدگاه‌های طرح شده در این زمینه پرداخته خواهد شد.

۱. وجه اول روایت ابن عباس و سؤال وی از عثمان، مبنی بر اینکه چرا سوره برائت را که از «مئین»<sup>۱</sup> است با سوره انفال که از «مثنائی»<sup>۲</sup> است؛ هر دو را در «سبع طول»<sup>۳</sup> قرار دادید، و میان آنها «بسم الله» نوشتید؟ عثمان در پاسخ گفت: شیوه رسول اکرم ﷺ این گونه بود که وقتی آیات قرآن بر او نازل می‌شد، یکی از نویسندگان وحی را می‌خواند و به او می‌فرمود: این آیات را در فلان سوره بگذار ... و سوره انفال از نخستین سوره‌هایی بود که در مدینه نازل شد و سوره برائت از آخرین سوره‌هایی بود که در آن شهر نازل شد، چون داستان این دو سوره شبیه هم بود، گمان کردیم سوره برائت دنباله سوره انفال است و خود

۱. «مئین» به سوره‌هایی گفته می‌شود که حدود صد آیه دارند.

۲. «مثنائی» به سوره‌هایی گفته می‌شود که از صد آیه کمترند.

۳. «سبع طول» به هفت سوره پس از سوره فاتحه الکتاب می‌گویند.

آن حضرت نیز تا روزی که از دنیا رفت در این زمینه چیزی نفرمود، از این رو ما این سوره را در ضمن «سبع طول» قرار دادیم، و میان آن دو «بسم الله» نوشتیم. و این دو سوره را «قرینتین» (قرین یکدیگر) می خواندند (طبرسی، ج ۴: ۵).

در نقد دیدگاه اول صاحب تفسیر مفاتیح الغیب این گونه می نویسد: بعید است رسول مکرم اسلام وجود سوره براءت را بعد از سوره انفال بیان نکرده باشند، چرا که قرآن از جانب خداوند و رسولش به وجهی که نقل شده، مرتب شده است و صحیح آن است که حضرت رسول ﷺ از طریق وحی، امر به قرار دادن وحی بعد از سوره انفال کرده اند. همچنین حق تعالی برای رفع نزاع میان مردم بر سر این مطلب که آیا آیه بسمله جزو آیات هر سوره هست یا خیر، این آیه را در ابتدای سوره توبه ذکر نکرد تا هشداری باشد مبنی بر اینکه آیه بسمله، جزو هر سوره حساب می شود (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵: ۵۲۲ - ۵۵۱ با تلخیص).

صاحب تفسیر المنار می نویسد: «نه صحابه و نه افراد بعد از آنان هیچ کدام در ابتدای این سوره "بسم الله" را نوشته اند، زیرا همان گونه که این آیه با سوره های دیگر نازل شده بود، با سوره توبه نازل نشده بود. چرا که نزول این سوره به خاطر شمشیر کشیدن بر روی کفار، و به هم زدن قراردادهای با آنان است» (رشید رضا، بی تا، ج ۱: ۳۹ - ۴۰).

در نقد روایت ذکر شده از ابن عباس می توان گفت با آنکه این حدیث را بزرگان احادیث اهل تسنن نقل کرده اند، دانشمندان متأخر آن را ضعیف می شمارند. چرا که در اسناد آن عوف بن ابی جمیله عبدی معروف به ابن اعرابی از یزید فارسی قرار دارد که از نظر دانشمندان علم رجال ضعیف و مجهول خوانده شده است (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۷۶). از طرفی خبر نقل شده دارای طریق واحد است که دلیل دیگری بر ضعف سند محسوب می شود، حدیث مزبور علاوه بر ضعف سند، ضعف محتوا هم دارد؛ گویی عثمان در جمع قرآن کریم بر اساس اجتهاد خویش عمل کرده و این در حالی است که مطابق کلام الهی «انَّ عَلَيْنَا جَمْعُهُ وَ قُرْآنُهُ» (قیامت: ۱۷) و بر اساس اخبار متواتر، نظم سور قرآنی به فرمان پیامبر ﷺ و از سوی خداوند سبحان تعیین شده است (رامیار: ۴۲۹ - ۴۳۰ با تصرف و تلخیص) همچنین آیت الله جوادی آملی نیز حدیث مزبور را فاقد حجت عنوان کرده اند (جوادی آملی، ج ۳۳: ۲۰۶ - ۲۰۷).

۲. برخی بر این باورند که سوره براءت در ادامه سوره انفال نازل شده است و هر دو یک سوره محسوب می‌شوند، چرا که سوره انفال در ذکر پیمان‌ها و سوره براءت در رفع آنهاست. مبنای ادعای فوق نزد اهل سنت روایتی بوده که از ابی ابن کعب ذکر شده است (زمخشری، ج ۱: ۲۴۱؛ فخر رازی، ج ۱۵: ۲۱۶) و نزد شیعیان استناد به روایت سعید ابن مسیب از امام صادق علیه السلام بود (مجلسی، ج ۸۹: ۲۷۷). قائلان به این وجه با استناد به حدیث و همچنین تناسب میان این دو سوره، آنها را یکی دانسته‌اند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۶: ۱۷۰).

در نقد دیدگاه مزبور می‌توان گفت اگر پذیرفته شود که سوره براءت در ادامه سوره انفال است، این نظر از لحاظ سیر تاریخی هماهنگ نیست، چرا که سوره انفال در اوائل هجرت و پس از جریان بدر و سوره براءت در سال نهم هجرت و اواخر عمر شریف نبی مکرم اسلام نازل شده و در این فاصله سور دیگری نیز نازل شده است. اثبات این مطلب چندان آسان نیست که میان صدر و ذیل سوره‌ای چند سال فاصله افتاده باشد؛ مگر اینکه روایت معتبری بر این امر دلالت کند که سوره براءت به امر نبوی در ادامه سوره انفال قرار گرفته است (جوادی آملی، ج ۳۳: ۲۰۵).

صاحب المیزان دیدگاه مزبور را قول برتر می‌داند و می‌گوید: «مفسرین در اینکه این آیات سوره‌ای است مستقل و یا جزء سوره انفال اختلاف کرده‌اند و اختلافشان در این باره منتهی می‌شود به اختلافی که صحابه و تابعین در این باره داشته‌اند. روایات وارده از ائمه علیهم السلام در این باره نیز مختلف است، اما روایاتی که سوره براءت را ملحق به سوره انفال ذکر می‌کند، ارجح‌اند». (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹: ۱۴۶).

۳. برخی بر این عقیده‌اند که آیه بسمله برای امان و مهر بوده و سوره براءت برای رفع امان نازل شده است، از این رو بسمله در ابتدای این سوره نازل نشده، این وجه از امام علی علیه السلام نقل شده است (طبرسی، ج ۵: ۱؛ فخر رازی، ج ۱۵: ۲۱۶). وجه مزبور از مشهورترین نظریات ایرادشده در این مسئله محسوب می‌شود، اما سؤالی مطرح می‌شود که چگونه در سوره‌هایی مانند مسد، مطفین و همزه که در فواتح آنها سخن از نفرین و عذاب می‌رود، آیه بسمله ذکر شده است. در پاسخ می‌توان چنین گفت که سوره‌های مذکور به‌عنوان حکم عامی در نکوهش برخی خصالت‌های رفتاری ناپسند است که در اوایل بعثت

و در مکه نازل شده است، اما ویژگی پرننگی که در سوره براءت محور بحث بوده، مسئله نفاق است، مسئله‌ای که از صدر اسلام تا آن زمان سعی شده بود بنا بر مصلحت جامعه با آن برخورد شود و جنگی با منافقان صورت نگرفته بود (طباطبایی، ج ۹: ۳۳۹). اما به نظر می‌رسد در وضعیتی که آنان از هر سو (دینی، سیاسی، اقتصادی، جهادی) در صدد لطمه زدن به اسلام و منافع مسلمانان هستند؛ باید در برابر عاملان اصلی نفاق دستور قاطعی صادر شود.

به نظر می‌رسد برای برگزیدن وجه صحیح از میان وجوه مزبور، لازم است به بررسی مضامین مطرح در سوره براءت پرداخت و با بررسی وقایعی که سال نهم هجرت روی داده‌اند، به جمع‌بندی صحیح در مورد عدم ذکر «بسمله» در ابتدای سوره دست یافت.

### سوره براءت در یک نگاه

سوره براءت بیست و هفتمین سوره و جزو آخرین سوره نازل شده در مدینه در سال نهم هجرت بود و در ترتیب فعلی قرآن کریم به‌عنوان نهمین سوره قرآن و بعد از سوره انفال و پیش از سوره یونس قرار گرفته است. برای این سوره نام‌های متعددی ذکر شده، اما به نام‌های توبه و براءت مشهور است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۳).

علامه طباطبایی (ره) مضامین مطرح در این سوره را براساس سیاق<sup>۱</sup> مشابه در ۱۴ گروه دسته‌بندی کرده است (رک: طباطبایی، ۱۴۲۷، ج ۹، تفسیر سوره توبه) از جمله براءت و قتال با کفار، ماجرای جنگ حنین و پیروزی مسلمانان، حرمت ماه‌های حرام، موضوع اهل کتاب و اخذ جزیه از آنان. بخش اعظم سوره بررسی طیف‌های مختلف از منافقان است، منافقان از مدینه و منافقان از اعراب و بیان شدت کفر آنها، ماجرای جنگ تبوک و توطئه قتل پیامبر، ماجرای مسجد ضرار. در مجموع می‌توان گفت مطالعه سوره براءت نشان

---

۱. سیاق یکی از قراین برداشت معنا به‌شمار می‌رود و میزان توجه به این مسئله در میان مفسران متفاوت بوده است، با نگاهی مقایسه‌ای میان کاربرد سیاق در تفاسیر مهم قرون اخیر، می‌توان به میزان اهتمام مفسران به این مقوله تا حدودی اطلاع پیدا کرد و از این مقایسه می‌توان به این نتیجه رسید که میزان اهتمام علامه طباطبایی (ره) در بحث سیاق بیش از سایرین بوده است (رک: زندیه، ۱۳۹۱: ۱۲ - ۱۴) از این‌رو پژوهش حاضر بر دسته‌بندی علامه طباطبایی (ره) در سیاق آیات سوره براءت تأکید کرده است.

می‌دهد که قسمتی از آن پیش از جنگ تبوک، قسمتی هنگام آمادگی برای جنگ و بخش دیگری پس از بازگشت از جنگ نازل شده است (جوادی آملی، ج ۳۳: ۱۸۸).

در شأن نزول آیات ابتدایی سوره براءت که پس از جنگ تبوک و در انتهای سال نهم هجرت نازل شد، در کتب تفسیر این‌گونه آمده است: در سال هشتم هجرت و پس از فتح مکه مکرمه به دست سپاهیان اسلام، از جانب پیامبر آزاد شدند، حضرت آنان را به شرط ایمان آزاد نکرد و آنها بر شرک خود باقی ماندند و مجاز بودند در مراسم حج شرکت کنند و قهراً وارد مسجدالحرام می‌شدند. در اواخر سال نهم هجرت که آیات ابتدایی سوره براءت نازل شد (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۱۰: ۷ - ۸؛ قمی، ۱۳۶۸، ج ۵: ۳۸۹) آیات ده‌گانه ابتدایی توسط امیر مؤمنان علی علیه السلام بر مشرکان خوانده شد و مسئله نقص پیمان امان چهارماهه به آنها اعلام شد، همچنین برخی بدعت‌های مشرکان نیز ممنوع شد.

در ادامه با بررسی فضای نزول این سوره و بررسی غرر آیات سوره براءت، موضوع بررسی عدم ذکر آیه بسمله در این سوره پی گرفته می‌شود.

### موقعیت اجتماعی - فرهنگی مدینه در سال نهم هجرت

هر متنی در جغرافیای خاصی شکل می‌گیرد که آن جغرافیا بر تعیین معنای آن متن اثرگذار است. در فضای نزول سوره، سخن از تعامل و تعاطی (تأثیر دوجانبه) فضای بیرونی با نزول سوره است؛ به این معنا که هم فضای موجود مقتضی نزول سوره بود و هم نزول سوره، فضا را دگرگون کرد. پس با در نظر گرفتن فضایی که آیات یک سوره در آن فضا نازل شده‌اند و حوادثی که رخ داده است، می‌توان به کشف و پرده‌برداری از ابهامی که در مورد سوره مطرح است، نائل آمد (احمدزاده، ۱۳۸۸: ۸۴).

گسترش اسلام و در اواخر عمر شریف پیامبر صلی الله علیه و آله نیز توسعه قدرت اقتصادی و نظامی مسلمانان سبب شد که مدینه به‌عنوان ام‌القری جهان اسلام پذیرای افراد با گونه‌های رفتاری متفاوتی باشد، رفتارهایی که از نگرش و انگیزه‌های متفاوت آنها حاصل می‌شد.

همان‌گونه که ذکر شد، بخشی از سوره براءت پیش از جنگ تبوک، قسمتی هنگام آمادگی برای جنگ و بخش دیگری پس از بازگشت از جنگ نازل شده است. به‌نظر



می‌رسد بررسی رفتارهای متفاوت اصحاب پیامبر ﷺ در این جنگ با توجه به انگیزه‌های مختلف آنها، در روشن شدن فضای نزول سوره مؤثر است.

در سال نهم هجرت اخباری مبنی بر آمادگی رومیان برای حمله به مدینه به پیامبر ﷺ رسید و پیامبر همانند سایر جنگ‌ها، مسلمانان را به جهاد فراخواند و به واسطه گسترش اسلام در شبه جزیره عربستان پیک‌هایی نیز از جانب پیامبر ﷺ به سوی مناطق مختلف مبنی بر شرکت در جنگ ارسال شدند. حضرت در این جنگ برخلاف سایر جنگ‌ها از همان ابتدا مقصد را اعلام کرد، مقصد «تبوک» در شمال غربی شبه جزیره نزدیک مرز شام بود (ابن سعد، ۱۹۹۰، ج ۲: ۱۲۶ - ۱۲۷؛ بلاذری، ۱۹۸۸، ج ۱: ۶۷).

همزمان با اعلان بسیج عمومی برای جهاد، به پیامبر ﷺ گزارش رسید که گروهی از منافقان در خانه سولیم یهودی گرد هم آمده‌اند و می‌خواهند مردم را از جهاد بازدارند. پیامبر ﷺ به طلحه و چند تن دیگر از اصحاب فرمان داد که به آن محل بروند و آنجا را به آتش بکشند تا منافقان بدانند که در جامعه اسلامی جایی برای آنها نیست (ابن هشام، بی تا، ج ۲: ۵۲۰).

در این فراخوان پاسخ‌های یکسانی برای شرکت در جنگ داده نشد. در یک بررسی کلی و با نظر به آیات سوره براءت، برخوردی را که اصحاب در قبال شرکت در جنگ تبوک از خود بروز دادند، می‌توان در دو گروه کلی دسته‌بندی کرد:

### گروه اول مؤمنان (با مراتب متفاوت)

آنان که با جان و مال خود همراه پیامبر ﷺ شدند (براءت: ۱۱۱).

مؤمنانی که دچار لغزش شدند، اما بازگشتند (براءت: ۱۱۷).

مؤمنان با اعتقاد راسخ و به دور از هر گونه سستی و تردید در وعده‌های رسول اکرم ﷺ در تبوک حضور یافتند و آن را فرصت مغتنمی به‌شمار آوردند (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۶۷) و گروهی نیز آماده رزم شدند، اما چون امکانات لازم برای شرکت در جنگ را نداشتند، در حالی که اشک از چشمانشان جاری بود از عزیمت به جنگ بازماندند (براءت: ۹۲).

### گروه دوم منافقان (با مراتب متفاوت)

افرادی که دچار لغزش شدند و منتظر حکم الهی بر خویشانند (توبه: ۱۰۲).

افرادی که در تصمیم خود برای یاری اسلام در تردیدند (برائت: ۴۵).

عده‌ای که با عذرتراشی از شرکت در جنگ سر باز زدند (برائت: ۹۰).

افرادی که بدون بهانه از جنگ سر باز زدند (برائت: ۸۱ - ۸۳).

منافقان با ویژگی‌هایی چون حضور با کسالت در نماز، سوگندهای دورغین، طعنه و استهزا (برائت: ۵۴، ۵۶، ۶۴، ۶۵، ۷۹) در این جنگ، در دو سطح علیه پیامبر ﷺ و اسلام فعالیت کردند. سطح اول همراهی با پیامبر ﷺ در جنگ با هدف تخریب روحیه افراد و توطئه در قتل پیامبر ﷺ در بازگشت از تبوک و سطح دوم ماندن در مدینه و کودتا علیه اسلام. برای نمونه عده زیادی به سرکردگی عبدالله بن ابی که همراهان وی کمتر از اصحاب پیامبر گزارش نشده است، در ثنیه الوداع از همراهی خودداری کردند و با شایعه شکست پیامبر از رومیان به مدینه بازگشتند (ابن هشام، ج ۳: ۵۱۹). همچنین از حدیثه بن یمان و دیگران روایت کرده‌اند که گروهی از منافقان توطئه کردند تا در مراجعت از تبوک، پیغمبر اسلام را به قتل برسانند و ترور کنند، به این ترتیب که در یکی از گردنه‌هایی که سر راه بود، شتر آن حضرت را رم دهند تا پیامبر ﷺ به دره بیفتند. در بسیاری از روایات است که آنها دوازده نفر بودند هشت تن از قریش و چهار تن از مردم مدینه، ولی خدای تعالی توسط جبرئیل جریان توطئه آنها را به اطلاع پیامبر ﷺ رساند و جان ایشان از این خطر حفظ شد (رک: واقعی، ج ۳: ۱۰۰۴؛ ابن هشام، بی تا، ج ۲: ۵۱۷).

آنچه پیامبر ﷺ و سپاهیان اسلام را عازم تبوک کرد، توطئه‌ای (دادن اخبار کذب مبنی بر شورش رومیان) از جانب منافقان برای خارج کردن پیامبر ﷺ از مدینه و کودتا علیه پیامبر و اسلام بود؛ چرا که در طول اقامت پیامبر در تبوک جنگی با روم رخ نداد، اما پیامبر با آگاهی از عمل منافقان، راه را بر نقشه‌های آنان بست؛ اولاً با حرکت به سمت روم و اعلان هدف نظامی خود زمینه را برای منافقان فراهم کرد تا درونیات خود را آشکار کنند و ضمن شناخته شدن آنها توسط مردم زمینه اضلال کیفری<sup>۱</sup> آنها فراهم آید؛ در ثانی با جانشین قرار دادن امام علی در مدینه، راه را برای کودتا علیه اسلام بست. در طول مدتی که امام علی در غیاب ایشان جانشینی را بر عهده داشت، منافقان باز دست از کار نکشیدند و به

۱. مراد از اضلال کیفری، اضلالی است که متأخر از عمل بد (در اینجا نفاق) است، نه متقدم بر آن. به عبارت

دیگر اضلال کیفری بر اثر عمل بد دامنگیر انسان می‌شود (جوادی آملی، ج ۲: ۵۲۱).

آزار زبانی حضرت پرداختند، به گونه‌ای که امام تاب کلام آنها را نیاورد و در جرف به پیامبر ملحق شد و گفت «منافقان می‌پندارند چون بودن من در این سفر بر شما گران بوده، مرا در مدینه گذاشتید» و پیامبر پاسخ حضرت علی علیه السلام را با ایراد حدیث منزلت فرمود: «أَنْتَ مِنْ مَنَزَلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَأَنْبَى بَعْدِي» (زورق: ۴۲۱؛ جعفریان، ۱۳۶۹: ۲۲۵).

آنچه در ماجرای جنگ تبوک و وقایع سال نهم هجرت شایان ملاحظه خواهد بود، حربه‌ای است که منافقان از آن برای نابودی اسلام استفاده می‌کردند و آن حربه چیزی نبود جز حربۀ اسلام در برابر اسلام. به عبارتی می‌توان گفت نفاق، تاکتیکی برای جبهه شرک و کفر است تا به واسطه آن بر دشمن خود نائل آیند یا به تعبیر دیگر می‌توان نفاق را از مصادیق شرک عملی<sup>۲</sup> قلمداد کرد. به عنوان نمونه سوره توبه در ادامه ذکر ویژگی‌های گوناگون منافقان مدینه در موقعیت‌های مختلف در آیات ۴۲ تا ۹۶ به تیره‌ای از منافقان که از اعراب هستند، اشاره و نفاق و کفر آنها را شدیدترین نفاق‌ها عنوان می‌کند «الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا» (براءت: ۹۷) کفر و نفاق این طبقه به خاطر دوری ایشان از تمدن و محرومیتشان از برکات انسانیت از قبیل علم و ادب، زمخت‌تر و سنگدل‌تر از سایر طبقاتند و به همین دلیل از هر طبقه دیگری به نفهمیدن و ندانستن حدودی که خدا نازل کرده و معارف اصلی و احکام فرعی، از قبیل واجبات، مستحبات و حلال و حرام‌ها سزاوارترند (طباطبایی، ج ۹: ۳۷۱). در تاریخ اسلام بارها اتفاق افتاده بود که اعراب با گرایش به اسلام خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و درخواست فرستادن افرادی را داشتند که برای آموزش قرآن و احکام نزد قبایل آنها روند. در چنین شرایطی از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله بهترین اصحاب و آگاه‌ترین

۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۱: ۲۷۷؛ ج ۳: ۴۱۷؛ صحیح البخاری، ج ۵: ۱۲۹؛ سنن ترمذی، ج ۵: ۶۳۸؛ کافی، ج ۸: ۱۰۶ - ۱۰۷؛ باقلانی، کتاب تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل: ۴۵۷؛ قاضی عبدالجبار بن احمد، المغنی، ج ۱۰، قسم ۱: ۱۵۸؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغدادی، ج ۴: ۴۶۵؛ فخر رازی، البراهین در علم کلام، ج ۲: ۲۵۷؛ تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵: ۲۹۶.

۲. شرک عملی مربوط به حوزه عبادات و عمل است که خود مراتب گوناگون دارد اعم از شرک جلی و شرک خفی، آنچه در اینجا مورد نظر بوده شرک خفی است که خود اعم است از شرک در خالقیت، شرک در عبادت و شرک در طاعت (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۵۹۵) و آنچه نفاق را در حوزه شرک خفی و شرک عملی قرار می‌دهد اطاعت از غیر خداست، چه شیطان بیرونی، چه هوای نفس به عنوان شیطان درونی.

آنها اعزام می‌شد، اما چهره پنهان اعراب ربودن چند تن از یاران باوفای اسلام و فروش آنها به مشرکان بود. مشرکان نیز پس از تخلیه اطلاعاتی این افراد، آنها را به فجیع‌ترین نحو به شهادت می‌رساندند. این رفتار نخستین بار بعد از جنگ احد رخ داد، اما بعدها در ابعاد بزرگ‌تر تکرار شد (زورق: ۴۲۳ - ۴۲۵).

نمونه دیگر که در نوع خود از کارهای بزرگ منافقان در مدینه بود و در غیاب پیامبر (یعنی زمانی که ایشان در تبوک حضور داشتند) صورت گرفت، تأسیس مسجد ضرار بود که اغلب طراحان و سازندگان مسجد ضرار از منافقان قبیله اوس بودند (زورق: ۳۰۱) و هدف آنها از احادیث این مسجد چیزی جز اشاعه کفر و ترویج تفرقه و پناه دادن به دشمن اسلام و پیامبر نبود. «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ» (برائت: ۱۰۷).

تنوع رفتاری اصحاب پیامبر ﷺ در جنگ تبوک حاکی از گروه‌های مختلف با عقاید متفاوت در سال نهم هجرت است که در ادامه در دو دسته طبقه‌بندی شده‌اند.

### دسته اول مؤمنان

این دسته از مجموعه نیروهایی تشکیل می‌شود که زندگی خود را فدای اسلام کردند و از همه منافع شخصی خود در راه پیروزی اسلام گذشتند. این گروه غالباً از مستضعفان و جوانان تشکیل شده بودند.

### دسته دوم منافقان

الف) گروه اول منافقان از مجموعه افرادی تشکیل شده بود که اسلام آورده و پا به پای آن نیز پیش رفته‌اند، هر جا خطر نیست، آنها با قدرت و شهامت ایستاده‌اند و هر جا که خطر سایه انداخته، آنها به نرمی گریخته‌اند<sup>۱</sup>، این گروه اسلام را برای خود می‌خواهند نه خود را برای اسلام، آنان خواهان پیروزی اسلام و توسعه آن هستند، زیرا پیروزی و توسعه اسلام را پیروزی و توسعه خود می‌بینند. این افراد کسانی هستند که با رویکردی نفاق‌گونه در پی

۱. اشاره به فرار عده‌ای در جنگ احد و حنین (رک: حسینی زنجانی، ۱۳۸۸: ۲۳۵ - ۲۳۷؛ عسکری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۷۴).

منافع خویشند و در جای جای سوره براءت در موقعیت‌های مختلف، احوال آنها را به نمایش گذاشته شده است

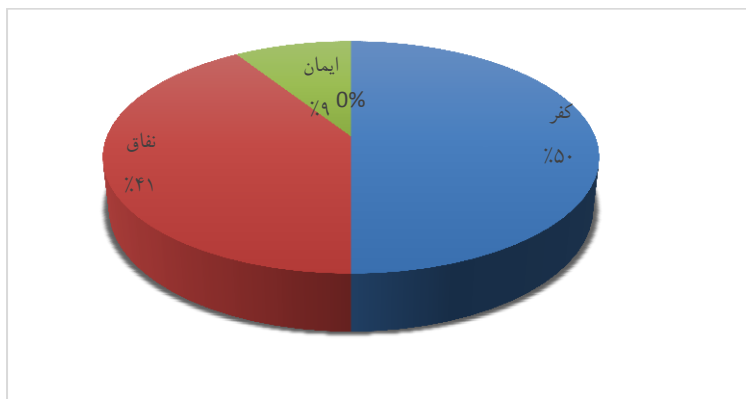
ب) گروه دوم منافقان افراد محافظه‌کاری هستند که پس از فتح مکه ایمان آورده‌اند و اغلب چهره‌های سیاسی بوده‌اند که با اسلام، مخالفت و حتی مبارزه کرده‌اند و از آنها شکست خورده‌اند، این افراد در جست و جوی جبران منافع از دست‌رفته خویش هستند. آنها چون منافی در زمان فعلی برای اهداف خود نمی‌بینند، در جست و جوی منافع خود در آینده‌اند، آینده‌نگر، فرصت‌طلب و محاسبه‌گرند و برای رسیدن به منافع خود نیازمند گروه اول منافقان هستند (زورق، ۱۳۸۷: ۵۲۲ - ۵۷۰ با تصرف و تلخیص).

با توجه به موقعیت اجتماعی - فرهنگی سده نهم هجری می‌توان گفت آنچه در آن سده در برابر اسلام نمود آشکاری داشت، «نفاق» بود، گرچه در ظاهر اسلام شبه‌جزیره عربستان را دربر گرفته بود، به‌نظر می‌رسد آنچه در باطن جامعه می‌گذشت «نفاق» بود که باید ریشه‌های آن از میان برداشته می‌شد تا به آحاد جامعه نفوذ نکند. در ادامه محتوای سوره براءت بررسی خواهد شد تا به تبیین دقیق‌تری از عدم ذکر بسمله در ابتدای سوره دست یابیم.

### تأملی بر محتوای سوره و غرر آیات آن

همان‌گونه که ذکر شد، مضامین مطرح در این سوره بر اساس سیاق مشابه، در ۱۴ گروه امکان دسته‌بندی دارد. در جدول ذیل به موضوعات مطرح شده در ۱۴ دسته (با تأکید بر تقسیم‌بندی علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان) پرداخته می‌شود و ضمن اشاره به موضوعاتی که در هر دسته ذکر شده است، ستونی نیز به مفاهیم کلیدی در هر موضوع اختصاص داده شده و شایان ذکر است که گرچه محتوای کلی سوره معرفی نفاق و نشانه‌های آن بوده، در برخی موارد به‌صورت صریح به واژه نفاق اشاره نشده است، اما با تأمل در سیاق آیات می‌توان به اهمیت این واژه در خلال سیاق مربوط دست یافت و آن را به‌عنوان مفهوم کلیدی در نظر گرفت. جدول زیر با این هدف تنظیم شده است که در سایه آن به مضامین مشترک در ۱۴ گروه دست یابیم و این مضامین مشترک، راهنمایی باشند برای رسیدن به هدف سوره و همچنین غرر آیات سوره براءت.

ردیف	شماره آیات هر دسته	موضوع هر دسته	مفاهیم کلیدی هر دسته
۱	۱ - ۱۶	برائت و بیزاری از مشرکان	کفر - شرک - نفاق (گرچه صریحاً ذکر نشده است) - نقض عهد - قتال
۲	۱۷ - ۲۴	ماندگاری عملی که برای رضای خدا باشد و حبط عمل بدون رضای الهی	کفر - شرک - جهاد
۳	۲۵ - ۲۸	وقایع جنگ حنین	کفر - شرک - نصرت (جهاد)
۴	۲۹ - ۳۵	قتال با اهل کتاب	کفر - شرک - قتال
۵	۳۶ - ۳۷	حرمت ماه‌های حرام	کفر - شرک - قتال
۶	۳۸ - ۴۸	نشانه‌های منافقان	نفاق (گرچه صریحاً ذکر نشده است) - جهاد (انفروا)
۷	۴۹ - ۶۳	عذرتراشی منافقان برای سر باز زدن از جنگ	کفر - نفاق (گرچه صریحاً ذکر نشده است)
۸	۶۴ - ۷۴	توطئه منافقان برای قتل پیامبر در راه تبوک	کفر - نفاق - جهاد
۹	۷۵ - ۸۰	منافقانی که از پرداخت زکات خودداری کردند	نفاق - عهد
۱۰	۸۱ - ۹۶	نفاق افرادی که از رفتن به جنگ سر باز زدند	کفر - نفاق (گرچه صریحاً ذکر نشده است) - جهاد
۱۱	۹۷ - ۱۰۶	وضعیت اعراب از لحاظ کفر و نفاق	کفر - نفاق
۱۲	۱۰۷ - ۱۱۰	بنای مسجد ضرار توسط منافقان	کفر - نفاق (گرچه صریحاً ذکر نشده است) - حرب
۱۳	۱۱۱ - ۱۲۳	وعده بهشت به مجاهدان راه خدا	ایمان - قتال - عهد
۱۴	۱۲۴ - ۱۲۹	بیان حال مؤمنان و منافقان در زمان نزول آیات	کفر - نفاق (گرچه صریحاً ذکر نشده است) - ایمان



«نمودار پراکندگی کفر و نفاق در سوره براءت»

با دقت در سیاق آیات سوره براءت و مفاهیم کلیدی آن، می‌توان به این مطلب دست یافت که آیات آن حول محور معرفی کفر، نفاق، نقض عهد و برخورد با این دو ویژگی، یعنی قتال در گردش است.

چینش آیات قرآن کریم در یک سوره و حیانی بوده و چینش آیات فعلی قرآن کریم به دستور پیامبر اکرم ﷺ تنظیم شده است، از این‌رو بین آیات یک سوره، پیوند خاصی وجود دارد که باید در صدد کشف آن برآمد. یکی از راه‌های کشف هدفمندی سوره، بررسی غرر آیات آن سوره خواهد بود. گرچه سوره براءت مشتمل بر موضوعات مختلف بوده و آیه بسمله در ابتدای آن ذکر نشده است و از دیدگاه علامه طباطبایی دارای غرض واحدی نیست (طباطبایی، ۱۴۲۷، ج ۹: ۱۴۶) به نظر می‌رسد موضوعات این سوره در صدد معرفی ویژگی اخلاقی است که بنیان جامعه اسلامی را تهدید می‌کنند، در ادامه و ضمن بررسی غرر آیات این سوره، بیشتر به آن پرداخته خواهد شد.

این فارس سه اصل معنایی برای غرر بیان کرده است: مثال و نمونه، کاستی، کرامت و سپیدی (ابن فارس، بی‌تا، ج ۴: ۳۸۰). راغب اصفهانی غرر را به معنای روشنی در پیشانی (اسب) که بیش از یک درهم است، ذکر می‌کند (راغب اصفهانی، بی‌تا، ج ۲: ۶۸۸) برای «غرر» در لغت معانی زیادی ذکر شده است که شاید مثبت یا منفی باشد، اما هرگاه به کلمه دیگری اضافه شود، معنای مثبت به ترکیب می‌دهد به عنوان نمونه غرر الکلم (کلمات نورانی).

در تعریف اصطلاحی «غُرر الآیات» به آیاتی گفته می‌شود که اصل و پایه برای سایر آیات قرآن و راه معرفت برای دستیابی به مضامین آنها هستند (خضیر و السعید، ۱۴۱۱: ۱۶۷ - ۱۷۰).

جمع‌بندی و عصاره اهداف و پیام خرد هر سوره در آیات غرر آن متبلور است که بسان خورشیدی بر سایر آیات سوره پرتوافشانی می‌کند و جهت و هدف سوره را به مخاطب القا خواهد کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۳۲ - ۳۴). غرر آیات غالباً توحیدی هستند یا رابطه تنگاتنگی با توحید دارند؛ این آیات در رفع مشکلات تفسیری و حدیثی کارگشا هستند؛ از جمله مهم‌ترین ملاک‌های شناخت این آیات تأکیداتی است که معصومان نسبت به خاص بودن آیه دارند؛ کار مفسر در استفاده از آیات غرر، پیدا کردن رابطه آن با سایر آیات است. طبق این تحلیل می‌توان نسبت غرر آیات را به محکّمات قرآن، عموم و خصوص مطلق شمرد (اشرفی، ۱۳۸۷: ۳۹ - ۴۲).

همان‌گونه که ذکر شد، غرر آیات یک سوره، آیه‌ای است که سایر آیات سوره بر محور آن استوار شده‌اند و خود به‌نوعی جمع‌بندی سوره محسوب می‌شود. با توجه به دسته‌بندی علامه طباطبایی از موضوعات مطرح در سوره می‌توان گفت، آیه‌ای که مضامین پررنگ سوره در آن یافت می‌شود، آیه ۱۲ سوره است: «وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ». گرچه آیه ۱۲ در ابتدای سوره و در سیاق مبارزه با کفار ذکر شده است، با تأمل در آیات این سوره و فضای نزول آن می‌توان گفت برخورد نهایی و عملی از جانب خداوند و رسول گرامی اسلامی با «نفاق» و «کفر» از میان بردن سران این گروه است. ضمن آنکه علامه جوادی آملی، آیه مزبور را به‌عنوان غرر آیات سیاسی قرآن کریم ذکر کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۳۳: ۱۹۳).

این آیه به معرفی افرادی می‌پردازد که پس از فسق و تجاوز، توبه کرده‌اند و قوی‌ترین ارکان جامعه دینی را (که نماز و زکات است) بپا داشتند و جزو جامعه اسلامی محسوب شدند، اما بعد از آن پیمانی را که با زمامدار مسلمانان داشتند، شکستند (پیمان‌شکنی و نقض عهد این گروه مسئله‌ای است که در سوره انفال نیز برای طرح آن زمینه‌سازی شده است). «نکث» در لغت به معنای نقض عهده است که لازم‌الوفاست و «ایمان» به معنای قسم می‌آید، اما در مفهوم آن شدت و قوت بیشتری نهفته است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۲: ۲۲۳).



همه این موارد در کنار هم بیانگر اهمیت عهدی است که آنها نقض کرده‌اند. قرآن کریم از این قوم به «أُمَّةَ الْكُفْرِ» تعبیر کرده است.

واژه «کفر» در آیه مذکور به صورت اسم به کار رفته و این مطلب حاکی از هدف الهی برای نشان دادن اتصاف این افراد به ویژگی کفر و همچنین تداوم کفر در وجودشان است (سامرائی، ۱۴۳۰: ۳۰). این افراد دارای کفر باطنی و ایمانی ظاهری بودند که خداوند آنان را دوچهره، دروغگو (منافقون: ۱)، فاسق و مستکبر معرفی می‌کند (منافقون: ۶)، آنهایی که عامه مردم را از راه دین برمی‌گردانند، در حالی که خود را در پشت سپر سوگندهای دروغینشان حفظ می‌کنند (منافقون: ۲)، خداوند سبب این کارشان را کفر آنها عنوان می‌کند (منافقون: ۳). خداوند دستور پیکار و قتل آنان را صادر کرده است، چرا که آنها نه تنها خود گمراهند، بلکه سبب گمراهی و ضلالت دیگران را فراهم می‌کنند (طباطبایی، ج ۵: ۱۵۹؛ طبرسی، ج ۵: ۱۸) و با این کار خود موجب اختلال و سلب اطمینان و تزلزل امور و توقف جریان‌ها در جامعه می‌شوند (مصطفوی، ج ۱۲: ۲۲۳).

حقیقت لغوی واژه کفر به معنای ستر و پوشاندن است (مصطفوی، ج ۱۰: ۷۸). منظور از پوشش، ستر و پوشاندنی است که مانع از درک حق و حقیقت می‌شود و آدمی را در مسیر لغزش‌های دیگر چون نفاق، شرک، فسق، کبر، گمراهی و ... قرار می‌دهد.

در نظام ارزشی مفاهیم اخلاقی قرآن، منظور از پوشش، ستر و پوشاندنی است که مانع از درک حق و حقیقت می‌شود و یک نوع هم‌پوششی و ارتباط نزدیک با سایر واژه‌های اخلاقی منفی نظیر شرک، فسق، ضلال، ظلم و ... دارد. کفر مراتب و درجاتی دارد که از نظر ضعف و شدت در رد و بی‌اعتنایی و تفاوت رتبه چیزی که مورد رد و بی‌اعتنایی واقع شده است، تفاوت دارند (مصطفوی، ج ۸: ۸۷ - ۸۸).

فلسفه آفرینش انسان رسیدن به کمال است و زمینه‌ساز رسیدن به کمال و هدایت، رحمت الهی خواهد بود، فرد کافر با پوششی که در مقابل درک حق در برابر خویش می‌سازد، در واقع مانع رسیدن رحمت الهی شده؛ رحمتی که بسترساز کمال انسان بوده است؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت «کفر» ستر و پوششی در برابر درک حق و حقیقت ایجاد می‌کند که سبب سایر لغزش‌های انسان می‌شود، از طرفی ستر و پوششی که به واسطه

«کفر» ایجاد شده است، به نوعی مانع رسیدن رحمت الهی خواهد شد که این همان معنای «عذاب» را با خود دارد، چرا که عذاب در لغت، نتیجه طبیعی عمل است و اتصاف آن با صفات همنشینش، حالت و شدت آن را بیان می‌کند (مصطفوی، ج ۸: ۸۱). از میان ۳۳۶ مرتبه تکرار واژه «عذاب» در سوره‌های قرآن کریم، سوره براءت با تکرار ۲۵ مرتبه آن، بیشترین تکرار واژه مذکور را در خود دارد، که به نظر می‌رسد این تکرار حاکی از پیامدی است که کفر در پی خواهد داشت.

مفهوم نفاق عبارت است از اقرار به ایمان به زبان و عدم اعتقاد به آن در قلب. نفاق از نظر لغوی راه زیرزمینی و پنهانی است؛ به همین دلیل در زبان عرب به تونل، نَفَق می‌گویند، یعنی راهی که پنهان است و ورودی و خروجی دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۹). منافق از آن جهت که به نام اسلام وارد امت اسلامی می‌شود و در مواقع لزوم خود را از اسلام و مسلمانان بیگانه می‌سازد و از اسلام خارج می‌شود، چنین نامیده شده و اینکه قرآن منافق را فاسق نیز نامیده است. فسق در لغت به معنای خروج رُطَب از پوست است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳۶)، کسی که از چارچوب آداب شریعت خارج شود، گرچه اعتقاد به آن هم داشته باشد، در فرهنگ قرآن به عنوان فاسق شناخته می‌شود؛ بنابراین منافق و فاسق در یک چیز مشترکند و آن خارج شدن از پوسته دین و دچار شدن به فساد و تباهی است. واضح خواهد بود که مطابق نبودن گفتار و کردار در امور مربوط به ایمان دینی، یکی از وجوه فسق است که مهم‌ترین عنصر بنیادی معنا در واژه نفاق است. جای انکار نیست که نفاق نقاط مشترک بسیاری با کفر دارد، زیرا نفاق چیزی جز یک نوع بی‌ایمانی و بی‌اعتقادی نیست، چنانکه در خود قرآن منافق و کافر هر دو دشمن خدا شمرده شده‌اند. عقوبت مشابه (نساء: ۱۴۰؛ براءت: ۶۸) در مورد کفر و نفاق نشان می‌دهد که هر دو از لحاظ درجه و ماهیت گناه یکسان هستند، چرا که جایگاه منافقان جهنم است.

نفاق به عنوان مصداق شرک، زمینه شدت شرک را فراهم می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۶۱). ایمان صرف پذیرش خدا نیست، بلکه نجات از شرک‌های گوناگون و رسیدن به عروه الوثقی، واقعیت توحید را تشکیل می‌دهد، هرگونه ایمانی که با نفی طاغوت همراه نباشد، در معرض گسستگی قرار دارد. حکومت خداوند در جامعه بشری بدون واسطه در

پیامبران یا باواسطه در اوصیای پیامبران متعین شده است. هر کس در برابر آنان قد علم کرد، خود از بزرگ‌ترین طاغوت‌ها محسوب می‌شود و از ارکان توحید، نفی طاغوت است، مخاطبان کلام الهی در سوره براءت، منافقان و کفار هستند که در برابر پیامبر و اسلام و به حکم قرآن مشرک محسوب می‌شوند؛ هر چند به‌ظاهر کلمه توحید را بر زبان جاری کنند (حسینی زنجانی، ۱۳۸۸: ۳۰۹ - ۳۱۰).

همان‌گونه که ذکر شد در هندسه معارف قرآن، آیاتی وجود دارد که قاعده هرم معارف آن را می‌سازند و چونان شجره طیبه‌ای هستند که بن و ریشه آن توحید است و توحید مانند روحی در تمام اجزای آن سریان دارد؛ در آیه مزبور نیز از میان بردن کفر به‌نوعی برقراری توحید محسوب می‌شود، ضمن آنکه این آیه از محکّمات قرآنی است که از طریق آن می‌توان به برخورد نهایی با کفر و نفاق دست یافت. همچنین سایر آیات سوره نیز به تناسب با این آیه کلیدی و همراستا با آن به ویژگی بارز ائمه کفر (که همان نفاق است) پرداخته‌اند، یعنی معرفی ویژگی‌های ائمه کفر به‌دلیل جلوگیری از نقشی که نفاق در جامعه ایفا می‌کند که در نهایت به کفر می‌انجامد.

به‌نظر می‌رسد آنچه سبب ذکر نشدن آیه بسمله در ابتدا سوره براءت شده، عملکرد منافقان و نقشه‌های مختلف آنان برای وارد کردن ضربه به اسلام و حرکت در جهت منافع خود بوده، به‌نوعی که خواسته باطنی ایشان مبنی قطع پیوند با خداوند و امت اسلامی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۵۴۴). به‌عبارت دیگر آنها بالاترین عهد الهی را که همان دین است (همو، ج ۴: ۲۸) نقض کردند و شکستند، آن هم بعد از آنکه پیمان بر سر حفظ آن بسته بودند و این کار آنان به‌نوعی طعن در دین محسوب می‌شود.

از طرفی با بررسی واژه رحمت در آیه کریمه «بسم الله الرحمن الرحيم» می‌توان گفت رحمت در لغت دارای دو هسته معنایی است: الف) رحمت به‌معنای تجلی و به‌وقوع پیوستن شفقت، رأفت، رقت، عطوفت، لطافت، محبت، نعمت، احسان، فضل، مغفرت در عالم خارج است؛ ب) الرّحم به‌معنای رابطه نزدیک (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۴: ۹۰ - ۱۰۱).

رحمت الهی همواره بر همه هستی روان و دارای دو تجلی است: رحمت رحمانی که مقام بسط وجود محسوب می‌شود و رحمت رحیمی که مقام بسط کمال است. با رحمت

رحمانی خلقت شکل گرفت و با رحمت رحیمیه هستی به نهایت رشد خود می‌رسد (طباطبایی، ج ۱: ۱۸). ذکر آیه بسمله از جانب خداوند سبحان در ابتدای هر سوره، دعوت از مردم برای بهره‌گیری از رحمت عامه و خاصه خداوند است و هر سوره درجه‌ای از درجات و شأنی از شئون الوهیت خدای سبحان و رحمانیت و رحیمیت او را بازگو می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۹) و همان‌گونه که ذکر شد آیه کریمه بسمله جزئی از هر سوره و با محتوای آن هماهنگ است، حال به نظر می‌رسد با نظر به محتوای کلی و غالب سوره برائت و خواست خود منافقان (خواستنی که در اعمال آنها تجلی یافته در دشمنی با رسول خدا و ولی خدا که به نوعی دشمنی با خداست و در پیروی و تبعیت از شیطان) پوشش ایجاد کردن در برابر رحمت الهی است؛ از این رو می‌توان گفت منافقان در اثر مانعی از کفر که در برابر رحمت الهی ایجاد کرده‌اند، خویش را از رحمت الهی محروم کرده‌اند و پیرو عمل آنها، خداوند نیز آنان را از رحمت خویش محروم کرده است، گرچه همواره راه برای توبه و بازگشت باز بوده و رحمت الهی بر غضبش پیشی گرفته؛ نرسیدن رحمت الهی به ایشان و صادر شدن حکم قتل سران ایشان، به دلیل اعمال و نیت خودشان است.

### نتیجه‌گیری

به عقیده نگارنده و با پذیرش دیدگاه توقیفی بودن چینش سوره‌ها در قرآن کریم و در نظر گرفتن فضایی که آیات سوره برائت در آن فضا نازل شده‌اند و حوادثی که رخ داده است، درباره عدم ذکر آیه بسمله در ابتدای سوره برائت می‌توان گفت که به دستور شخص نبی مکرم اسلام سوره برائت به‌عنوان سوره مستقلی در ادامه سوره انفال قرار گرفته است. بخشی از سوره برائت پیش از جنگ تبوک، قسمتی هنگام آمادگی برای جنگ و بخش دیگری پس از بازگشت از جنگ نازل شده است. بررسی رفتارهای متفاوت اصحاب پیامبر<sup>ﷺ</sup> در این جنگ، از جمله سر باز زدن از جهاد با دلایل و عذرهای غیرموجه؛ کارشکنی و بازداشتن مردم از رفتن به جهاد؛ توطئه قتل رسول اکرم<sup>ﷺ</sup>؛ حربه اسلام در برابر اسلام و ساخت مسجد ضرار و آزار دادن جانشین رسول اکرم<sup>ﷺ</sup> در غیاب ایشان، حاکی از انگیزه‌های مختلف آنهاست. آنچه در آن سده برابر اسلام نمود آشکاری داشت «نفاق» بود،

گرچه در ظاهر اسلام شبه جزیره عربستان را دربر گرفته بود، اکثریت جدید نوعاً به دلایل سیاسی، امنیتی و اقتصادی به اسلام روی آورده بودند و رویکردشان به اسلام تابع منافعشان بود و آن چهره‌ای که بیشتر خود را نشان می‌داد، کفر در پرتو ایمان یا به عبارت دیگر «نفاق» بود، که باید ریشه‌های آن از میان برداشته می‌شد تا به آحاد جامعه نفوذ نکند.

فلسفه آفرینش انسان رسیدن به کمال و زمینه‌ساز رسیدن به کمال و هدایت، رحمت الهی است. فرد کافر با پوششی که در مقابل درک حق جلوی خویش می‌سازد، در واقع مانع از رسیدن رحمت الهی می‌شود؛ رحمتی که بسترساز کمال انسان بوده است. از طرفی ستر و پوششی که به واسطه «کفر» ایجاد شده است، به نوعی مانع رسیدن رحمت الهی خواهد شد که این همان معنای «عذاب» را با خود دارد، تعدد و تکرار واژه عذاب در سوره براءت شاید حاکی از پیامدی باشد که کفر در پی خواهد داشت.

با نظر به محتوای کلی و غالب سوره براءت و خواست منافقان (که ذکر شد) می‌توان گفت منافقان در اثر مانعی از کفر که در برابر رحمت الهی ایجاد کرده‌اند، خویش را از رحمت الهی محروم کرده‌اند و پیرو عمل آنها خداوند نیز آنان را از رحمت خویش محروم کرده است، گرچه همواره راه برای توبه و بازگشت باز بوده و رحمت الهی بر غضبش پیشی گرفته است؛ اما نرسیدن رحمت الهی به ایشان و صادر شدن حکم قتل سران ایشان به دلیل اعمال و نیت خودشان است.

## منابع

- ۱- قرآن کریم (۱۴۱۵ق). ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم.
۲. آلوسی بغدادی، سید محمود عبدالله (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، چ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). مقاییس معجم مقاییس اللغه، چ اول، تهران: انتشارات علوم اسلامی.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسه التاریخ.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، چ اول، بیروت: دار صادر.
۶. ابن هشام (بی تا). السیره النبویه، بیروت: دارالمعارف.
۷. احمدزاده، سید مصطفی (۱۳۸۸ش). «وحدت موضوعی سوره ها در تفسیر تسنیم»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۷: ۸۲ - ۱۰۹.
۸. اشرافی، امیررضا (۱۳۸۷ش). «پیوستگی آیات قرآن و نقش آن در تفسیر از منظر علامه طباطبایی»، فصلنامه علمی - پژوهشی قرآن شناخت، سال اول، شماره دوم: ۲۵ - ۵۸.
۹. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۳ش). حقائق الناظره فی الاحکام الطاهره، قم: جامعه مدرسین.
۱۰. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۹۹۶م). انساب الاشراف، بیروت: دارالفکر.
۱۱. تقوی، هدیه (۱۳۹۱ش). «سنخ شناسی و تبیین رفتاری صحابه پیامبر در غزوه تبوک»، پژوهشنامه تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۱، دوره ۴۵: ۱۱۳ - ۱۳۰.
۱۲. خضیر، جعفر السعید، حسن (۱۴۱۱ق). «تفسیر القرآن بالقرآن عند العلامة الطباطبایی (اطروحات جامعیه)»، رساله القرآن، ش ۱: ۳۸ - ۵۸.
۱۳. جعفریان، رسول (۱۳۶۹ش). تاریخ سیاسی اسلام، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش). تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء.

۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳ ش). توحید در قرآن، چ اول، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۵. حاجی امیری، شهربانو (۱۳۸۸ ش). «تحلیلی بر کیفیت چینش آیات و سوره های قرآن»، فصلنامه بینات، شماره ۶۳: ۵۸ - ۷۹.
۱۶. حجتی، سید محمدباقر (۱۳۷۴ ش). پژوهشی در قرآن کریم، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۱ ش). قرآن هرگز تحریف نشده، قم: انتشارات قیام.
۱۸. حسینی زنجانی، سید عزالدین (۱۳۸۸ ش). حکمت فاطمی، به کوشش سید محمد حسینی زنجانی، قم: بوستان کتاب.
۱۹. خامه گر، محمد (۱۳۸۶ ش). ساختار هندسی سوره های قرآن، چاپ دوم، تهران: سازمان تبلیغات.
۲۰. خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۶۰ ش). بیان در مسائل کلی قرآن، ترجمه صادق نجمی و هاشم هاشم زاده، قم: نشر مجمع ذخائر اسلامی.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). المفردات فی غریب القرآن، چ اول، بیروت: دارالعلم الدارالشامیه.
۲۲. رامیار، محمود (۱۳۶۲ ش). تاریخ قرآن، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۳. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چ اول، بیروت: دارالکتاب العربی.
۲۴. زندیه، نورالدین (۱۳۹۱ ش). ایزدی، مهدی، «سیاق و سباق در مکتب تفسیر علامه طباطبایی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۲، سال پنجم: ۵ - ۳۴.
۲۵. زورق، محمدحسن (۱۳۸۷ ش). شهر گمشده، چ چهارم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۶. سامرائی، فاضل صالح (۱۴۳۰ ق). المتشابه الفظی من آی التنزیل، عمان: دارالعمار.
۲۷. سبحانی، جعفر (۱۳۷۹ ق). تاریخ اسلام، قم: انتشارات امام عصر (عج).
۲۸. سیوطی، جلال الدین (۲۰۰۰ م). ترتیب سور القرآن، نشر دارالمکتبه الهلال.
۲۹. طباطبایی، سید کاظم (۱۳۷۸ ش). «سنجش و ارزیابی یک حدیث درباره قرآن»، فصلنامه مطالعات اسلامی، شماره ۴۵ - ۴۶: ۶۱ - ۸۲.

۳۰. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، چ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۱. طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۳ش). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، چ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۲. طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸ش). مجمع‌البحرین و مطلع‌النیرین، تهران.
۳۳. طوسی، حسن‌بن محمد (۱۴۱۳ق). خلاف، قم: دفتر نشر اسلامی.
۳۴. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸ش). اطیب‌البیان فی تفسیر القرآن، چ دوم، تهران: انتشارات اسلام.
۳۵. فخرالدین رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح‌الغیب، چ سوم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۳۶. فراهیدی، خلیل‌بن احمد (۱۴۱۰ق). کتاب‌العین، چ دوم، قم: انتشارات هجرت.
۳۷. قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۷۱ش). قاموس قرآن، چ ششم، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه.
۳۸. قمی، محمدبن محمد (۱۳۶۸ش). کنز‌الدقائق و بحر‌الغرائب، تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۳۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار‌الانوار لدرر اخبار‌الائمة‌الاطهار، چ دوم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۴۰. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش). التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه، چ اول، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
۴۲. نووی، محی‌الدین (بی‌تا). المجموع شرح‌المهذب، بیروت: دارالفکر.
۴۳. واقدی، محمدبن عمر (۱۹۹۵م). المغازی، بیروت: مؤسسه‌الاعلمی.
۴۴. یعقوبی، ابی‌واضح (بی‌تا). تاریخ‌یعقوبی، بیروت: دار صادر.